

بازنگری در مقاله «رفتن در معنی آمدن»

زهراسادات حاجی سیدآقایی

در شماره چهارم ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی، مقاله‌ای از این جانب، با عنوان «رفتن در معنی آمدن» به چاپ رسیده‌است که در آن به معنایی جدید برای «رفتن» در متون کهن فارسی مانند ترجمه تفسیر طبری، ترجمه و قصه‌های قرآن و غزلیات شمس اشاره شده‌است. در این مقاله یک جمله از متن مینوی خرد (مصحح نوبرگ) چنین آمده است:

... pad har hazārag sar az awēšān ēk rawēd...

در متن نوبرگ (Nyberg 1974, vol. 1, p. 71) این کلمه چنین آمده‌است: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (هزوارش 'rawēd = SGYTWN-yt). نسخه اساس متن نوبرگ، نسخه k43 است که چاپ عکسی آن در کپنهاگ منتشر شده‌است. رجوع به نسخه کپنهاگ نشان می‌دهد که نوبرگ این کلمه را غلط خوانده و اصل آن 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 بوده‌است. در چاپ انکلساریا نیز این کلمه 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 است.

اما نظر مایرهوفر و گرشویچ در موردِ «رفتن» مؤید نظر نگارنده است؛^۱ مایرهوفر در مورد ریشهٔ ay به معنی «رفتن» چنین می‌نویسد:

ay^۱: به معنی «رفتن»، «چرخیدن»، «راندن»، «رسیدن». معنای «آمدن» را قیاس کنید با ودایی úd-ita- «طلوع کرده»، «بالا آمده».

-iti: به معنی «رفتن» و «خود را حرکت دادن» (فعل دوم شخص امر گذرا) و اوستایی idī به معنای «بیا». معنای «رفتن» در این ریشه مشهود است. این شواهد و شواهدی مثل éva-m در ودایی (اسم مذکر به معنای «دویدن» و «شتاب کردن») نشان می‌دهد که معنی اصلی ریشه در هندوایرانی «رفت و آمد» و «حرکت کردن» است. با این حال معنی اصلی ریشه در هندواروپایی «رفتن» است (LIV, p. 236) و این نشان می‌دهد که این ریشه فقط در هندوایرانی هردو معنای «رفتن» و «آمدن» را دارد.

در ودا ریشهٔ ay، چنان‌که گرشویچ نشان داده، در معنای «آمدن» هم به کار رفته است (Gershevitch 1989, p. 130) از جمله در بعضی شواهد، مترادف jan استعمال شده است؛ مثلاً در این جمله:

*asvād jajñé, iti yád vádanti, ójaso itám utá manya enam

«اگر بگویند که او از اسب زاده شده است (jajñé)، من می‌اندیشم که از قدرت آمده است». در اینجا itám که صفت مفعولی از ay است بی‌تردید معنای «رفتن» ندارد، بلکه معنای «آمدن» دارد.

یک مثال احتمالی دیگر برای این کاربرد عبارتی در کتیبهٔ داریوش در کانال سوئز (۱۲-۱۱ dz) است:

11 avaθā : yaθā : adam : niyaštāyam : utā : nāva : āyatā : hacā : Mudrā

12 yā : tara : imām : yauviyām : abiy : Pārsam^۲

کنت (KENT 1953, p. 147) āyatā را went یعنی «رفتن» ترجمه کرده، اما در لغت‌نامهٔ آخر کتاب (Ibid, p. 169) آن را come یعنی «آمدن» ترجمه کرده است. شاید بتوان در توضیح مطلب چنین گفت که āyatā فعل ماضی سوم شخص جمع ناگذر است و

۱. ترجمهٔ بخش‌های آلمانی را وامدار استاد دکتر سید احمد رضا قائم مقامی هستم.
 ۲. ترجمهٔ رُلف نارمن شارپ: پس از آن این ترعه کنده شد، چنان‌که فرمان دادم، و کشتی‌ها از مصر از وسط این ترعه به سوی پارس روانه شدند.

بیشتر ماضی‌های فارسی باستان از بن مضارع با اضافه کردن پیشوند ماضی‌ساز *a-* ساخته می‌شوند. در فعل موردبحث *a-* ماضی‌ساز با *a* در ابتدای ریشه ادغام و تبدیل به *ā* می‌شود. در فارسی باستان نیز فعل «آمدن» با اضافه کردن پیشوند *ā-* به ریشه *ay* ساخته می‌شود. پیشوند *ā-* و افزونهٔ ماضی‌ساز *a-* با *a* در ابتدای ریشه ادغام شده و تبدیل به *āy* می‌شود،^۱ در نتیجه هیچ تفاوتی در شکل نوشتاری «رفتن» و «آمدن» دیده نمی‌شود و می‌توان آن را هم «آمدن» و هم «رفتن» خواند و خللی به معنای جمله وارد نمی‌شود.

از شواهد قابل تأمل در فارسی میانه «سود رفتن» به معنی «سود آمدن» است که در
پرسش ۲۶، بند ۷ مینوی خرد دیده می‌شود:

u-šān bar ud sūd az-iš če raft?

در فارسی دری «سود رفتن» به‌کار نرفته و به‌جای آن «سود آمدن» دیده می‌شود،

چو بر تخمه‌ای بگذرد روزگار چه سود آید از رنج و از کارزار؟

(فردوسی ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۴۲۰)

تو را سودی نیامد زآنکه کردی بدیدی آن گمان بد که بردی

(گہ گانی، ۱۳۴۹، ص ۳۴۲)

چون بهین ماهه‌ای برفت از دست
هر چه سود آیدت زیان بیندار

(خاقانی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰)

و یکی از معانی «آمدن»، «به‌دست آمدن» است (← دهخدا ۱۳۷، ذیل «آمدن»). تفضلی در ترجمهٔ مینوی خرد (۱۳۵۴، ص ۴۱) این جمله را این‌گونه ترجمه کرده است: «و از ایشان چه بر و سودی به‌دست آمد؟»

منابع:

خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۸)، دیوان، به تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران.

۱. توجه به این نکته لازم است که در خط فارسی باستان مصوت a کوتاه در آغاز واژه از ā بلند متمایز نیست.

- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران.
- شارپ، رلف‌نارمن (۱۳۸۴)، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، چاپ دوم، شیراز.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، ج ۸، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹)، ویس و رامین، به تصحیح ماگالی تودوا - الکساندر گواخاریا، بنیاد فرهنگ، تهران.
- مینوی خرد (۱۳۵۴)، ترجمه احمد تفضلی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ANKLESARIA, T. D. (1913), *Dânâk-u mainyô-i khard*, Pahlavi, Pazand and Sanskrit Texts, Bombay.
- Codices Avestici et Pahlavici Bibliothecae Universitatis Hafniensis*, Vol. V: The Pahlavi Codex K43, Copenhagen, 1936.
- GERSHEVITCH, I. (1989), "Margarites the Pearl", *Études Irano-Aryennes Offertes À Gilbert Lazard*, Paris, pp.113-136.
- KENT, R. (1953), *Old Persian*, Connecticut, American Oriental Society, New Havn.
- LIV: Helmut Rix (ed.), *Lexikon der indogermanischen Verben, die Wurzeln und ihre Primärstammbildungen*, bearbeitet von Martin Kümmel, Thomas Zehnder, Reiner Lipp, Brigitte Schirmer. Zweite, erweiterte und verbessert Auflage, bearbeitet von Martin Kümmel und Helmut Rix. Wiesbaden: Reichert 2001.
- MAYRHOFFER, M. (1992), *Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen*, 1 Bände, Heidelberg.
- NYBERG, H. S. (1974), *A Manual of Pahlavi*, vol. I, Wiesbaden.

